



بررسی مسائل مستحدثه رسانه های جدید: حرمت تجسس در رسانه و خبرنگاری

پدیدآورنده (ها) : حیدری، محمد علی؛ خالقی پور، بشیر

میان رشته ای :: نشریه زمانه :: مهر و آبان ۱۳۹۱ - شماره ۲۷ و ۲۸

صفحات : از ۱۲ تا ۱۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/929080>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ماهیت و حکم اخلاقی تجسس
- پژوهشی فقهی جزائی در تجسس و تفتیش عقاید
- بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن
- تجسس از دیدگاه فقه امامیه
- تجسس از منظر فقه امامیه
- تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی
- تجسس و تحلیل آیات فقهی و اخلاقی آن
- حریم خصوصی از منظر فقه
- از شناسایی «منع تجسس» به مثابه «قاعده ای فقهی» تا انعکاس آثار آن در نظام دادرسی کیفری ایران
- اصل عدم تجسس و استثنائات آن در فقه و حقوق ایران (با نگاهی به روایات)
- کاوشی در حکم فقهی تجسس
- بررسی فقهی تجسس در اسلام

عناوین مشابه

- درس گفتار: بررسی مسائل مستحدثه رسانه های جدید؛ درسی از استاد، کمک کردن به گناه در رسانه
- بررسی تاثیر فعالیت های رسانه های اجتماعی بر رضایت از تجارت الکترونیکی و قصد خرید در رویکردهای جدید حکمرانی اسلامی
- حوزه مسائل مستحدثه: نقد و بررسی دیدگاه های اهل سنت در شبیه سازی انسانی
- روبات ها به عنوان رسانه های جدید: بررسی میان فرهنگی در خصوص واکنش های اجتماعی و شناختی به عوامل رباتیک و شخصیت های تلویزیونی بر روی صفحه نمایش
- بررسی سیاست خارجی دولت های انقلابی جدید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر اساس مدل پیوستگی جیمز روزنا
- گزارشی از «نرم افزار چند رسانه ای پیام آوران تاریکی» در نقد و بررسی عرفان های کاذب
- بررسی چالش میان اینترنت و رسانه های جمعی در انتشار اخبار و اطلاعات با استفاده از فرآیندهای احتمالی
- پژوهش و جامعه: توسعه، تعاونی و نقش رسانه ها: بررسی بازتاب اقتصاد تعاونی در روزنامه های کثیرالانتشار تهران
- خبرگزاری ها و فناوری های جدید رسانه ای (مطالعه تطبیقی کارکردهای رویترز، آسوشیتدپرس، پی.تی.آی و ایرنا در عصر اینترنت با تأکید بر عملکرد خبرگزاری جمهوری اسلامی)
- منطق جدید و الاهیات (کاربرد سیستم های منطقی جدید در حال مسائل الاهیاتی)



بررسی مسائل مستحدثه رسانه‌های جدید درس استاد

حرمت تجسس در رسانه و خبرنگاری

به اهتمام: بشیر خالقی پور

پیش‌موضوع

در شماره پیش اشاره شد فقه رسانه یکی از انواع فقه مضاعف است که با وجود ارتباط فراوان مکلفان با آن، به ویژه در عصر جدید، و زندگی در دنیای تکنولوژی و اهمیت بسیار آن، کمتر موضوع پژوهش‌های دقیق قرار گرفته است. با توجه به آنکه فقه ارتباطات و رسانه‌ها را می‌توان در سه محور ۱. یافتن و بیان مصادیق موضوعات فقهی در رسانه؛ ۲. تحلیل موضوعات؛ ۳. بررسی مسائل مستحدثه‌ای که رسانه‌های مدرن ایجاد کرده‌اند، تقسیم کرد. موضوع حرمت تجسس در رسانه را ذیل عنوان یافتن و بیان مصادیق موضوعات فقهی در رسانه بررسی می‌کنیم. حجت الاسلام محمدعلی حیدری، استاد حوزه و دانشگاه — که در شماره پیشین زمانه موضوع «آغانه بر اثم» را به عنوان اولین درس گفتار فقه رسانه از ایشان منتشر کردیم — در چند نشست از سلسله جلسات فقه ارتباطات، که در مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) و با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شده است، موضوع حرمت تجسس در خبرنگاری رسانه‌های مدرن را بررسی کرده است که شما را به مطالعه بخش اول آن دعوت می‌کنیم.

تجسس و تفحص صدق می‌کند یا فقط برخی موارد آن را شامل می‌شود.

حرمت تجسس برای همه یا برخی موارد؟

برای آغاز بحث حرمت تجسس باید به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که آیا حرمت تجسس عامی است که بعد درباره مواردی تخصیص می‌خورد یا حرمت تجسس از ابتدا حکم خاص بوده است. به عبارت دیگر آیا در اسلام همه

پیش از هر چیزی لازم است بیان کنیم که موضوع تجسس از مواردی است که با مصادیق متفاوتی در رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب وجود دارد و یکی از ابزارهای ضروری کسب خبر به‌شمار می‌آید. این مسئله به تدریج به عرف رایج خبرنگاری مبدل شده است و یک خبرنگار در قبال حرفه خود احساس وظیفه می‌کند که به دنبال تفحص از امور و احوال مردم در شرایط مختلف زمانی و مکانی برآید. حال باید دید آیا حرمت تجسس در همه موارد

مثال یکی از ادله می‌گوید تحصیل علم لازم و واجب است. یکی از راه‌های تحصیل علم تفحص در احوال دیگران است. اما آیا می‌شود گفت که «لاتجسسوا» همه موارد را دربرمی‌گیرد، اما بعدها گفته شده است که فقط مواردی مانند تجسس در عیب‌های مردم را شامل می‌شود؟ در ضمن باید توجه شود که در معنای واژه تجسس، بار منفی وجود ندارد که لفظ تجسس تنها در موارد شرع کاربرد داشته باشد، بلکه به همه انواع تفحص‌ها مربوط می‌شود.

در پاسخ باید گفت که چنین تفسیری ممکن نیست؛ زیرا مسئله‌ای به نام «تخصیص اکثر» یعنی مقید کردن موارد بسیار، از یک حکم کلی به وجود می‌آید. به سخن واضح‌تر دستور تجسس نکردن به همه موارد به جز تجسس در کارهای خوب و خیر مربوط می‌شود و چون موارد خوبی بسیار زیاد است، پس تخصیص اکثر بیش می‌آید. بنابراین هر جا دلیل عام بود باید دید که تخصیص اکثر به وجود می‌آید یا نه؟ مثلاً اینجا گفته شده است تجسس نکنید و نگفته از چه چیزهایی، و متعلقش را مشخص نکرده است؛ یعنی کلاً تجسس نکنید، اما از سوی دیگر بسیاری از دستورات شارع نیازمند تفحص است؛ پس در این مواقع مسئله این طور حل می‌شود که اگر این آیه عام باشد و تخصیص بخورد به ادله کنیه، مسئله تخصیص اکثر لازم می‌آید و تخصیص اکثر ذاتاً قبیح است و از یک فرد حکیم دور است و از آن رو که شارع، یعنی خداوند، حکیم است این حرف را نمی‌زند؛ یعنی نمی‌آید یک حکم کلی را بیان کند و بعد تعداد زیادی به حکم قید بزند؛ مثلاً بگوید متولدین فلان سال از خدمت سربازی معاف هستند به جز افرادی که این شرایط ده‌گانه را دارند که در نهایت چند نفر باقی می‌مانند. خوب عقل می‌گوید از همان اول، ویژگی‌های

موارد تجسس حرام است، ولی در برخی موارد حرمت آن مقید شده یا از همان اول تجسس در موارد خاصی حرام به‌شمار می‌آید؟

آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ نَبْذَ الظَّنِّ إِنَّم وَ لَا تَجَسَّسُوا» (حجرات/۱۲). سؤال اینجاست که آیا این آیه عام است و مربوط به همه موارد تجسس می‌شود یا اینکه فقط در موارد عیب‌جویی اشکال دارد و تجسس در امور خیر حرمت ندارد؛ مثلاً برای شخصی که می‌خواهد یکی از بزرگان و علمای را لگو خود قرار دهد، آیا تجسس در احوالات و امور او هم حکم تجسس را دارد و حرام است؟

ممکن است کسی پاسخ دهد که مشخص است که تجسس به این امور مربوط نمی‌شود و فقط مربوط به موارد نقص و عیب‌جویی است، اما در واقع این پاسخ صحیحی نیست و باید از او سؤال شود که از کجا یقین دارد مفهوم آیه به موارد خوبی و خیر مربوط نمی‌شود؟ اگر به فهم عرفی الان خود مراجعه می‌کنیم این فهم مستند به فتوا است و به استدلال مبتنی بر چنین فهمی کار اجتهادی نمی‌گویند. چون از سال‌های متمادی و نسل اندر نسل، از مجتهدان شنیده‌اند و شنیده‌ایم که تجسس به امور شرع و عیب‌جویی مربوط می‌شود و این برای ما ذهنیت درست کرده است. حال اگر با ذهن خالی به سراغ این آیه شریفه برویم، می‌بینیم که مفهوم آیه عام و فراگیر است، یعنی در هر صورت تجسس نکنید.

حال سؤال اینجاست که از کجا مشخص است که ممنوعیت تجسس فراگیر نیست و حرمت تجسس همه موارد تجسس را دربرنمی‌گیرد؟ پاسخ این است: به خاطر وجود ادله عام بسیاری که ما را به دریافت خوبی‌ها امر کرده است؛ برای



آیا در اسلام همه موارد تجسس حرام است، ولی در برخی موارد حرمت آن مفید شده یا از همان اول تجسس در موارد خاصی حرام به شمار می آید؟

همین چند نفر را مشخص می کردید. پس در مورد آیه نمی توان گفت دلیل فراگیر در مورد همه تفحص هاست و بعدتر مفید شده است.

تجسس و مصلحت ها

پرسش دیگری که پیش می آید این است که آیا «لاتجسسوا» اطلاق دارد به عیب های مردم و بعد تخصیص می خورد به موارد مصلحتی؛ یعنی تنها عیب های مردم را تفحص نکنید مگر در جایی که فواید و مصلحتی وجود دارد یا «لاتجسسوا» از ابتدا عام و فراگیر است و تنها در مواردی ممنوع است که در آن تجسس، مصلحتی نیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید آیات و روایات دیگر را بررسی کنیم تا ببینیم آیا روایات هم کلامی گویند تجسس حرام است یا تجسس خاصی را مضمحل این حکم می دانند.

باید توجه شود که این بحث در ارتباطات از این نظر اهمیت دارد که ماهیت خبرنگاری تجسس کردن است و خبرنگاران چشم و گوش جامعه هستند و باید به نمایندگی از مردم و جامعه، در مورد منافع و نیازهای مردم تجسس و تفحص کنند. برای مثال مردم تهران از همه آنچه در محله های گوناگون این شهر روی می دهد باخبر نیستند، یا آنچه حواشی سینما یا ورزش ناهیده می شود و حجم خبری بسیار بالایی را در مطبوعات و خبرگزاری ها به خود اختصاص داده است؛ مانند نرخ قرارداد بازیکنان که هرگز در تریبون عمومی اعلام نمی شود و خبرنگار است که با تکنیک های حرفه ای کسب خبر به دنبال تهیه این حواشی می رود. اگر بگوییم «لاتجسسوا»، یعنی حکم تجسس نکردن، فقط مربوط به موارد عیب می شود، ولی بنا به مصلحتی می توان تجسس کرد، دیگر نه تنها کسب خبر از هر طریق ممکن اشکالی ندارد، بلکه کارهایی مانند مردم شناسی و مردم نگاری که علم و روشی علمی به شمار می آید و کاملاً مبتنی بر تفحص در امور زندگی و احوال مردم شهر یا فرهنگ قومی است، قطعاً بدون اشکال است و حرمتی ندارد. پس در اینجا هم که موارد مصلحت بسیار زیاد می شود، باز هم مسئله تخصص اکثر پیش می آید و این فرض هم صحیح نیست.

حرمت تجسس از نگاه تفاسیر

در تفسیر آیه این طور گفته اند که مقصود و غرض از آیه این است که باید ظاهر حال مسلم را ملاحظه قرار دهید و اگر ظاهر خوب

و نه بازگو کردن بعد از آن را.

روایات حرمت تجسس

در باره حرمت تجسس باید روایات هم بررسی شود. حدیث اول از «وابالاعمال» مرحوم صدوق است و در «روضة کافی» هم این روایت هست. شخصی به نام محمد بن فضیل به امام صادق عرض کرد: این طور به من خبر رسیده است که یکی از برادران من (یعنی از شیعیان) کاری انجام داده است که خوشایند من نیست؛ از خودش می پرسم، او انکار می کند، اما ناقلین خبر همه افراد ثقة و مورد اعتماد هستند، وظیفه من چیست؟ امام فرمود: گوش و چشم را نسبت به برادر دینی ات تکذیب کن اگر چه پنجاه نفر علیه او شهادت دهند.

این روایت از ادله محکم شیعه است و البته درباره قضاوت نیست و به تجسس در امور شخصی افراد مربوط می شود.

حرمت تجسس: امور فردی یا اجتماعی
با توجه به ادله دیگری مانند روایاتی که می فرمایند: «المؤمن فتن» یا «المؤمن کجس»، در مورد واگذار کردن مسئولیت های اجتماعی به افراد و مسائل سیاسی، که البته با مصالح عموم مردم ارتباط دارد، این مباحث درباره حرمت تجسس جایی ندارد؛ زیرا حرمت تجسس کاملاً به مباحث فردی مربوط است و نباید سادگی کرد و حرمت تجسس را درباره مسائل اجتماعی هم به کار برد؛ مثلاً زمانی که قرار است نماینده مجلس یا مسئولی را انتخاب کنیم، نباید به صرف اینکه گفته می شود تجسس حرام است، در احوال او و گذشته اش تفحص نکنیم و بگوییم به فرض که اشتباهانی هم انجام داده، ممکن است توبه کرده باشد و این روایت می گوید دیدگاه شخصی شما نسبت به برادر مؤمنان باید دیدگاه خوبی باشد؛ یعنی زمانی که می گوید اگر به شما خبر ناخوشایندی از برادر مؤمنان می دهند و خودش انکار می کند، پس به انکار او توجه کن. به سخن دیگر به طریق اولی شما حق تفحص درباره او را ندارید و این کاملاً مختص مسائل شخصی است.

روایت دیگری نیز در حرمت تجسس بیان شده است که هم تجسس را شامل می شود و هم غیبت را، اما بیشتر درباره غیبت است. این روایت چنین است: «من قال فی مؤمن ما رآه عینه و سمعته أذناه فهو من الذین قال الله عز وجل: إِنَّ الذین یحبون أن تُشیع الفاحشه فی الذین آمنوا

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (الوسائل ۸-۵۹۸، الباب ۱۵۲) این روایت اشاره می کند به اینکه اگر کسی چیزی از مؤمنی شنیده یا دیده است ولی دیگران اطلاع ندارند، نباید کسی را از سزا و خطای او مطلع کند البته این روایت بیشتر درباره حرمت غیبت است.

استماع غیر مستقیم از تجسس

روایت دیگری که در این زمینه بیان شده از کتاب «طلاعات و تحقیقات در اسلام» نوشته آقای احمدی میانه جی است که در بخشی از آن به بحث تجسس اشاره شده است. روایت این گونه است: «ثلاثة یعدون یوم القیامة المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون»؛ سه گروه در روز قیامت مذنبانند و یکی از آنها کسی است که سخنانی را درباره گروهی و قومی که آنها ناراضی هستند از اینکه این خبر افشا و بازگو شود، می شنود».

در مورد ارائه

مسئولیت های

اجتماعی به افراد

و مسائل سیاسی

که البته مربوط به

مصالح عموم مردم

است، این مباحث

درباره حرمت

تجسس جایی

ندارد؛ زیرا حرمت

تجسس کاملاً مربوط به

به مباحث فردی

است و نباید حرمت

تجسس را درباره

مسائل اجتماعی هم

به کار برد

ضرورت‌های تبلیغ در عصر بیداری اسلامی به حاجی‌ها چه بگوییم؟

چاه‌کن بود که به ته چاه افتاده بود. سرعت سقوط بن علی و مبارک آن قدر زیاد بود که همه را متعجب کرد. آنچه آزادی‌خواهان جهان در خواب هم نمی‌دیدند، در روز روشن اتفاق می‌افتاد. وقتی مبارک در شب ۲۲ بهمن سقوط کرد، احساس شادی همه را فرا گرفت، ولی مسئولیت سنگینی هم به دوشمان آمد.

تونس پیش از انقلاب، کشتوری به شدت غرب‌زده بوده و نظامی کاملاً امنیتی و بسته بر آن حکومت می‌کرد. وضع فساد اخلاقی در تونس قابل شرح دادن نیست، ولی به وضع خفقان سیاسی در این کشور اشاره‌ای می‌کنم. یکی از اساتید حوزه می‌گفت که قبل از سقوط بن علی در شب رحلت امام خمینی (ره) در تونس برای اساتید دانشگاه سخنرانی داشتم. به من گفتند از امام حرف نزن چون حساسیت‌زاست. من هم از ویژگی‌های سیستم آموزشی حوزه گفتم. بعد از سخنرانی یکی از اساتید تونس سؤالی درباره مکتب عرفانی امام مطرح کرد. برخی دیگر از اساتید، آن شب پیش‌بینی کردند که از فردا دیگر او به دانشگاه نخواهد آمد. فردا او دستگیر و غیب شد! در چنین نظامی است که انقلابی اتفاق می‌افتد. انقلابی که خودتونس‌ها در توصیفش می‌گویند: «الثورة بالنفس الاسلامیه». یعنی انقلابی با جان‌مایه اسلامی. در همین تونس در انتخابات پارلمانی، حزب «النهضة» پیروز می‌شود که رهبرش آن حزب را پس از انقلاب ایران پایه‌گذاری کرد و رسماً هم اعلام کرد می‌خواهد پیرو مکتب خمینی (ره) باشد.

عرب در مواجهه با این انقلاب‌ها به سرعت از تحریر خارج شد و سعی کرد نگذارد همه منافعش در این حوادث بریاد رود. عبارت «بهار عربی» که اوپاما برای این انقلاب‌ها می‌سندند و از آن استفاده می‌کند، امروزه در جهان سیاست جا افتاده یعنی این حرکات ملی است و نه اسلامی. خیلی طبیعی بود که تصور شود این انقلاب‌ها نگرشی جدید

جهان‌پیرامون ما به سرعت در حال تغییر است. سیستم پیامک در ایران پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ قطع شد. این اقدام حرکتی منطقی بود تا کسی نتواند با ارسال گروهی و انبوه پیامک، شایعه‌پراکنی کند یا دعوت به تجمع غیر قانونی انجام دهد. عصر روز بیست و پنجم خرداد ماه سال ۸۸، یکی از رفقای فوق‌اصلاح طلب دانشگاه تماس گرفت و گفت اگر هنوز هم با بچه‌های بسیج دانشگاه ارتباط داری بگو در اطراف میدان آزادی، بسیجی‌ها به مردم شلیک کرده و تعدادی را کشته‌اند. امروز جوانب حادثه حمله به پایگاه بسیج برای همه معلوم شده است. در آن روز از رفیق پرسیدم با وجود قطع شدن پیامک، شما چگونه توانستید این تظاهرات را هماهنگ کنید؟ جواب شفاف می‌داد. امروز همه ما می‌دانیم که نقش شبکه‌های اجتماعی در این حوادث چه بوده است. خانم هیلاری کلینتون بعد از این حوادث وقتی می‌خواست نشان دهد که از جنش سبز حمایت کرده است، نکته جالبی گفت. وی در یک مصاحبه تلویزیونی گفت ما برای حمایت از این جنبش، از سایت توئیتر خواستیم که از تعطیل کردن موقت سایتش اجتناب کند. توئیتر می‌خواست برای ارتقاء سایتش رآمدنی تعطیل کند و از قضا این تعطیلی داشت با آشوب‌های تهران هم‌زمان می‌شد که وزارت خارجه آمریکا دخالت کرد و اجازه این کار را نداد.

این حوادث در ایران کنترل شد و فضای کشور به آرامش رسید اما چندی بعد، از کشورهای دیگر صداهایی برخاست. جنس این صداهای متفاوت بود. اگر در ایران شعار جمهوری ابرائی می‌دادند، صداهایی که از تونس و مصر می‌آمد، القابری‌هایی خالصانه بود. در این کشورها باز هم رد پای توئیتر و فیس‌بوک دیده می‌شد و به اصطلاح، این بار

نظر فقهی خبرنگار باید همه اخبار را به گوش همه افراد برساند، اما آیا ما اصلاً و جوب عام اطلاع‌رسانی داریم؟ مثلاً فردی به شهری رفته و نوعی عادت عزاداری بسیار بد و نامناسبی دیده است، حال آیا شخص می‌تواند هرجایی که رسید، این خبر را اطلاع‌رسانی کند؟ اگر قصد، اصلاح این عادت است، باید در جای مناسب خودش و به مسئول مربوطه اطلاع داد و در غیر این صورت شرعاً بیان کردنش جایز نیست. با این ادله عام چگونه می‌شود اطلاع‌رسانی عام را که ممکن است فوایدی هم داشته باشد — مانند اینکه خبر را به گوش فردی که می‌تواند به اقدام اصلاحی دست زند برساند — با حرمت تجسس جمع کرد؟ این از پرسش‌های جدی بحث خبرنگاری است.

افشای سب‌امری نیست

در روایت دیگری داریم که شخصی از حضرت امام صادق (ع) سؤال می‌کند که آیا عورت (زشتی) مؤمن بر مؤمن حرام است؟ امام پاسخ می‌دهد بده، عورت مؤمن افشای سب است.

سب یعنی چه؟ یعنی چیزهایی که شخص نمی‌خواهد، دیگران اطلاع پیدا کنند و کاملاً نسیبی است، ده نفر می‌دانند اما بقیه که اطلاع ندارند. حتی در دادگاه هم همین طور است. فردی که جرمی سیاسی داشته و حکمی برایش صادر شده است، قاضی و عوامل دادگاه، خانواده‌اش و عده‌ای از اهل سیاست می‌دانند، اما همه مردم کشور از آن اطلاعی ندارند. این سب است و افشای آن کاری حرام شمرده می‌شود. بین حرمت تجسس و سنت خبرنگاری یا سنت و روش پژوهشی مردم‌شناسی چگونه می‌توان جمع کرد و به چه نتیجه‌ای می‌توان رسید؟

اگر ما مصلحت عامی را در مردم‌شناسی یا خبرنگاری مطرح کنیم، دیگر هیچ موردی برای حرمت تجسس باقی نمی‌ماند و گویا شارع یک حکم لغو و بیهوده‌ای را بیان کرده است. در اینجا باید چه اقدامی انجام داد؟ اینها از مباحث بحث برانگیز حوزه خبرنگاری شمرده می‌شود. ||

این استماع غیبت است، اما گاهی همین شنیدن غیبت مصداق تجسس می‌شود؛ یعنی شخص دیگران را به مصاحبه مجبور یا راضی می‌کند یا انگیزه‌ای را فراهم می‌نماید تا آنها نکات و صحبت‌هایی را که نمی‌خواهند افشا شود بگویند و او آنها را می‌شنود. این دقیقاً همان کار خبرنگاری به صورت مستقیم است. در واقع فرق استماع با سماع در همین است (استماع شنیدن به طور عمد را می‌گویند، ولی سماع، تنها زمانی است که اصوات به گوش می‌خورد و تعمودی در کار نیست).

در روایت هم داریم «المستمع الی حدیث قوم»، یعنی شخص گوینده را به گفتن وامی‌دارد و ترغیب می‌کند.

و آنها از این امر ناراضی‌اند. این نوعی تجسس به‌شمار می‌آید. در مورد مردم‌شناسی هم همین است. بحث بر سر خوبی‌ها نیست و هیچ قومی نیست که خرده‌فرهنگ‌ها و عادت‌های زشت و بدی‌هایی هم نداشته باشند و مردم‌شناسی‌ها هم هر آنچه را می‌بینند می‌نویسند و اگر مردم آن قوم از گزارش‌های او مطلع شوند، حتماً ناراحت و ناراضی می‌شوند. روایت در بیان «یعبیون یوم القیامه» تصریح می‌کند که این کار، کار حرامی است. روایت «ولا تکنوا یحاثین عما غاب عنکم» هم اشاره می‌کند که آنچه از شما مخفی است، تفتیش نکنید. در ادامه روایت علت نیز ذکر شده و آمده است: عیب‌جویی نکنید تا عیب‌جویی در مورد شما زیاد نشود. پس موضوع این روایت و آنچه این روایت نهی می‌کند عیب‌جویی کردن است.

حالا آنچه درباره خبرنگاری

می‌دانیم این است که باید به دنبال عیب‌ها و آسیب‌ها رفت، البته باید آسیب‌ها را شناسایی کرد تا درصدد رفع آنها باشیم. باین حال آنچه در عرف و فرهنگ عمومی خبرنگاری می‌بینیم این است که خبرنگار احساس وظیفه می‌کند که اساساً باید به دنبال عیب‌ها برود و با هر عنوانی مثلاً آسیب‌شناسی، عیب‌جویی کند. این مسئله در حوزه‌های علوم اجتماعی نیز به صورت فرهنگ علمی درآمده است و گفته می‌شود که به دلیل «وجوب عام اطلاع‌رسانی» از



ما اصلاً وجوب عام اطلاع‌رسانی نداریم یک زمان برای اصلاح است که البته باید خبرنگار در جای مناسب خودش و به مسئول مربوطه اطلاع دهد و در غیر این صورت بیان کردنش شرعاً جایز نیست